

فاحشگی، مقام زن در اسلام

در نظام معیشتی اسلام، زنان تنها و تنها از طریق تن فروشی ارتزاق می کنند. محل و ممر درآمد زن در اسلام خدمات جنسی است. در اسلام هیچگونه راه و روش و طریق و شیوه و پیشه و کاری برای گذران زندگی زن و کسب درآمد و تأمین هزینه های روزمره، به جز تن فروشی متصور نیست، توصیه هم نشده. البته پیرزنان عجزه که فاقد کالای سکس برای فروشند، آورده شده که با دوک نخریسی خود را مشغول می کنند. شغل و حرفه زنان در اسلام و قرآن روسپی گری است. کلفتی برای شوهر و یا ارباب و نگهداری از فرزندان وی، به خودی خود و بدون ارائه سکس هیچگونه دستمزدی ندارد.

در اسلام از دو گروه زنان یاد شده است: زنان آزاد و کنیزان. در اسلام هر دو صفت آزاد و کنیز به وجه موهن بکار رفته است. چراکه زن آزاد یعنی زنی که برده نیست و در اینجا کلمه آزاد به هیچ وجه به معنی آزادی نیست.

کنیز که وضعیتش معلوم و تکلیفش روشن است. کنیز برده ای است خریداری شده و یا به غنیمت گرفته شده در غزوات و جنگهای تجاوزکارانه مقدس اسلام که دارای هیچ اختیار و انتخابی نیست و جاننش موهبتی است که از جانب ارباب و صاحبش به وی ارزانی گردیده. کنیز در قبال دفع شهوت ارباب و پسران و دوستان وی و کلفتی برای آنان لقمه نانی می خورد و زنده می ماند.

اما زن آزاد به زنی گفته می شود که برای ارتزاق و اعاشه و گذران زندگی، از این امتیاز برخوردار است که ظاهراً مرد مسلمان متجاوز به خود را خود برگزیند و به اختیار به تن فروشی تن دردهد. (نکاح اسلامی) همین میزان از اختیار و انتخاب نیز، در جوامع پدرسالار و نظام مردسالارانه و اسلامی توسط پدر و یا سرپرست شرعی زن نادیده گرفته می شود و زنان جوان و بویژه دختران باکره بالاچار به ازدواج هایی ناخواسته تن می سپارند.

در اسلام سعی گردیده است که به هر میزان که ممکن است از سن ازدواج زنان بکاهند تا زمان بهره برداری جنسی از آنان افزایش یابد. اینکه محمد تازی عایشه را از شش سالگی با تفخیز (درمالی) و سپس در نه سالگی به فیض دخول می رساند از رأفت اسلامی است و گرنه خمینی در تحریر الوسیله تفخیز با نوزاد شیرخواره را نیز مجاز می شمارد.

مسلمانان ماله کش که بطور بی امان به تفسیر مشغولند، زمانی که از زنیاری و شهوترانی پیامبر اسلام سخن می رود، دلیل ازدواج های متعدد و هوسرانی های او را کمک به زنان بی سرپرست عنوان می کنند. گویی کمک مالی و یاری رساندن به زنان بی چیز و فقیر بدون جماع با ایشان ممکن نیست. توجه به این نکته نیز ضروریست که تعبیر «زنان بی سرپرست» فی نفسه توهین آمیز بوده و زنان را صغیر و سفیه و نابالغ دانسته و بدون وابستگی به مرد و به عنوان انسان کامل و مستقل به رسمیت نمی شناسد. زن در نگاه اسلامی و قرآنی در حقیقت به مثابه زانده ای است که به گرداگرد عضو جنسی زنانه شکل یافته است و لاجرم به اکراه و اجبار به صورت طفیلی مرد می بایست تحمل شود. (پیدایش یافته از زنده چپ مرد)

جماع خانه مرد مسلمان با زن، هیچ شباهت و سنخیت و همجنسی با عشقبازی انسانی ندارد. دوسویه نیست و از میحث فاعل و مفعولی است. زن در جماع اسلامی توسط مرد گائیده می شود. (با پوزش) جماع اسلامی از اساس با مفهوم سکس و معاشقه و عشقورزی از زمین تا آسمان تفاوت دارد. زن مسلمان وسیله دفع شهوت مرد است. فاقد اراده جنسی و میل شخصی و به مانند احتشام و جماد و نبات شناخته می شود. زن مسلمان می باید با بستن لنگ به کمر در هر حال و در هر لحظه ای حاضر به براق و آماده ارائه خدمات جنسی به مرد بوده باشد. حتی هنگامی که سوار بر شتر در حرکت است. در جماع اسلامی، مرد مسلمان شبیه همین حاجی بازاری های مؤمن و متدین جمعیت مؤتلفه ای وقتی به خانه باز می گردد، زن عقدی و یا صیقه ای خود را از گنجه و کمد درآورده و چون خوکی فحل به وی تجاوز می کند، از پیش یا از پس. (بقره ۲۳۳) مرد مسلمان در قبال تملک زن شرعی خویش، پول پرداخته و کالایی را خریده و مختار است که به هرگونه که می پسندد از متاع خویش بهره ببرد. در ازدواج های اسلامی، زن شریک و همسر مرد نیست. این الفاظ تعارفات خرننگ کنی بیش نیست.

مرد مسلمان با پرداخت مهریه، زنی را می خرد و با پرداخت نفقه، وی را به مانند کالای جنسی و کلفت شخصی به خدمت می گیرد. (نساء ۲۱ و ۲۴) حتا فرزندان که از ازدواج های اسلامی بوجود می آیند متعلق به مرد بوده، حتا جانشان، به گونه ای که اگر پدر فرزندش را به قتل برساند قصاص نمی شود. زن به دلیل اینکه در برابر خدمات جنسی و کلفتی از شوهرش مهریه و نفقه و دستمزد دریافت می دارد، لذا بچه هایی که به دنیا می آورد دقیقاً شبیه نتیجه زایمان های اسب و الاغ در طویله چوپان، به مرد تعلق می گیرد.

منته و صیغه نیز که در مذهب شیعه مورد احترام بوده و به شدت تشویق می گردد، به منزله کارخانه فاحشه سازی، یکی از راه هایی است که زنان لقمه نانی به کف آورند و از گرسنگی نمیرند. اساساً در موضوع صیغه و منته صحبت از فاحشگی راندن از سوی منتقدین بی مورد و مضحک است. زیرا که زن در بینش اسلام و قرآن دقیقاً همان فاحشه است. تن فروش و روسپی است. چون قابل تصور نیست که هیچ زنی بدون دریافت دستمزد به جماع با مردی درآید. حتماً باید با مبلغ معلوم و مدت معلوم این عمل صورت گیرد.

نکته تأسف آور آن است که هرگاه زنی با مردی دلخواه و دوست داشتنی آزادانه بیامیزد و از سر عشق و علاقه و احترام متقابل، بدون هیچ چشمداشت مادی و مالی به وی ببیند و عاشقانه و بنا بر نیاز طبیعی عشق بورزد، آخوند و اسلام و قرآن وی را هرزه و فاحشه و زناکار می خوانند و مستوجب تنبیه و تازیانه و سنگسار می دانند. بحث خفت بار و جدایی افکن و سرکوب کننده «محرم و نامحرم» و گناهان جعلی و موهوم جنسی که در اسلام ساخته و پرداخته شده، ریشه در همین معنا دارد.

قابل توجه است که تنها رابطه و مشارکت اجتماعی زن در اسلام منحصر به زمانی است که مورد معامله قرار می گیرد. (البته زن آزاد و نه کنیز و برده). به بیان دیگر زن تنها در یک مورد و فقط به هنگام فروش سکس و چک و چانه زدن بر سر قیمت ارائه خدمات جنسی (مهریه، نفقه و اجرت المثل) است که مورد گفتگو قرار می گیرد. از آن پس، یعنی پس از انعقاد قرارداد، زن به پستوی خانه و

گنجه و كمد باز می گردد و وظیفهء شرعی وی حفاظت و مراقبت از آلت تناسلی خویش به عنوان مایملک شوهر و یا مایملک هر مردی است که از طریق قرارداد صیغه، فرج وی را خریده است. در جوامع پدرسالار و عشیره ای و قبیله ای همین میزان رابطهء اجتماعی نیز توسط پدر و پدربزرگ و برادر از زن دریغ گردیده و زن غیاباً خرید و فروش می شود.

در جامعهء انسانی، زنان تا زمانی که همچون مردان از کار شرافتمندانه و انواع بیمه های اجتماعی، از جمله بیمهء بیکاری و ازکارافتادگی بی بهره بوده باشند و برای خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و در مجموع جهت گذران زندگی و ارتزاق و معاش خود به مرد وابسته و محتاج باشند و به ناچار از طریق ارائهء خدمات جنسی به شوهر اسمی و یا هر مردی کسب درآمد کنند و نان بخورند، بدون تعارف روسپی و تن فروشند.
siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>